

علی کاظمی

حق فرود بر جامعه

این حق، همان حق است که به یک جامعه مسلمان یافته با آرمان‌های قرآنی بر عهده فرود گذاشته است. عهده به این نکته در تفسیر آیات از سوره نساء اشاره می‌کند. آیه چنین است: «و اعبدوا الله و لا تشركوا به شیئا و بالوالدین احسانا و بذی القربی و المسکین و المساکین و الجار الجنب و الصاحب بالجنب و ابن السبیل و ما ملکت ایمانکم ان الله لایحب من کان مختالا فخورا» (نساء ۳۶). عهده در تفسیر این آیه می‌گوید: «فقره حقوقی که به توسط انسان باعث درستی اعتقادات و اعمال او و نیز رعایت حقوق والدین باعث صلاح حال والدین و مسکین می‌شود. این امور موجب پیوستگی و ارتباط میان اعضای خانواده می‌شود. این ارتباط امکان و قدرتی را پدید می‌آورد. ظهور این حالت تساوی در خانواده‌هایی که با یکدیگر قرابت و نسبت دارند، مسکین و توانایی مختلفی را به وجود می‌آورد که بسیاری اگر فتنه‌آمیز آن می‌توان به نفعی که برای خانواده و نسب نیستند یاری رسانند. این گروه محتاج همان کفای هستند که خداوند در آیه از آنها یاد می‌کند. «المسکین و المساکین» نام برده است خداوند در این مقام به رعایت حال بنیامین سفارش کرده است. چرا که معمولاً در کثر بنیامین به دلیل نداشتن باوری نیرومند - پدر - اعمال می‌شود.

بنیامین به دلیل نداشتن چنین باثباتی ممکن است به تربیت سوء یا فساد اخلاقی گرفتار شود. این حالات ناپسند اخلاقی و تربیتی ممکن است که به فرزندان دیگر جامعه نیز منتقل شود. همچنین تجربه نشان داده است که ملایر به نفعی نمی‌تواند عهده تربیت فرزند خود بر آید. هر مورد «مسکین» نیز چنین است و اصلاح ساختارهای اجتماعی چیز با توجه به ایشان و مسلمان دانستن اوضاع آنها رخ نمی‌دهد. اگر فروتنان به این گروه بی توجه باشد این گروه میلای نامتکبر جامعه خواهند شد. در شناخت مسکین حقیقی، مهم این است که بدانیم گاه انسان به دلیل ضعف و ناتوانی از کسب و کار یا مثلا به دلیل نزول بلاهای آسمانی، در اسیب خود راز کف می‌دهد. این مسکین همان مسکین حقیقی است که باید از راز دروغ نپوشش‌پاری کرده اما گروه دیگری نیز هستند که ممکن است به دلایلی چون اسرافه سستی در کسب و کار به کف رسیده باشند. کسب دیگران به خرافات و حيله گری در معامله، مال و سرمایه خود را تباه کرده باشند. این گروه اخیر اگر به راه نیابند و نصیحت دیگران را نپذیرند باید راهنمایی کرد و آنان را به خدا پشور داد.<sup>۵۲</sup>

حکمت تشریع عبادت

در روایت اجتماعی عهده به تفسیر قرآن، بحث مهم دیگر، مسأله «حکمت تشریع عبادت» است. عهده معتقد است که فلسفه تشریع عبادت در اسلام، تهذیب روح و استواری پیمان‌های اخلاقی و اصلاح سبک و رویه اجتماعی است تا در نتیجه آن مسلمانان در جامعه‌های امن و همراه با اعتقاد متقابل زندگی کنند. هر عبادتی که چنین هدفی را برآورده نماید مردود است چرا که دارای گوهر ذاتی خود نیست. عهده در این باره در تفسیرش بر آیه «قوله للمسلمین الذین هم براتین و یمنعون الصالحین» (مؤمن ۲۴۹) می‌گوید: «منظور از صالحین» آیه هر آن چیزی است که از آن یاری خواسته شود. کسانی که نماز می‌گزراوند اعمال خود را با این انجام می‌دهند، چنان اتفاق می‌افتد که ضرری به دل‌هایشان نرسد و از فقر بی‌مناک نشوند و یا نفعی متوجه جسم و جانشان نشود و از بسوی دیگر یاری دیگران به مردم را نیز منع می‌کنند و در رفیع حاجت و راحتی خاطر مردم سعی گویند. این گروه در عبادت خود فروغ می‌بخشد و نمازشان بسودی به جانشان ندارد. در این مسأله فرقی نیست میان آنکه خود را مسلمان



# قرآن و زمان

تنظیم حیات اجتماعی در قرآن از دیدگاه محمد عبده

می‌دانیم که همه ادیان آسمانی وظیفه هدایت بشر را در ابعاد اصلاح و تنظیم جامعه از یک سو و اصلاح اعتقادی از سوی دیگر بر عهده دارند. احوال شیه جزیره مرستان و نیز جهان در دوران پست پیامبر<sup>ص</sup> و پس از آن نشان می‌دهد که اصلاح امور اجتماعی را مهم می‌دانسته است. پس از این نیز هر گاه تنظیم و اداره امور جامعه بر اساس هدایت قرآنی مطرح بوده است، پاسخگویی به نیازها و مناسبات حیات جدید به گونه‌ای که با مصلحت عمومی جامعه سازگار باشد، مورد توجه اسلام بوده است. از میان منسوران معاصر در قرن چهارم، محمد عبده با مراجعه به قرآن چنین بیانی را از رویکرد اجتماعی قرآن ارائه می‌دهد. در این مقاله، رویکرد اجتماعی عهده به قرآن در چند محور بی‌گرفته می‌شود.



صلحت دیگری است. در بخش دیگر این آیه (ذاتی جبل لکم فیما) به حفظ مال و آگاهی از ارزش آن تمسک و تاکید شده است. حتی پس مسلمانان نباید اموال خود را هدر دهند. سلف ما به نگهداری مال خود اهمیت می دادند و راههای به دست آوردن مال از راههای حلال را به خوبی می دانستند. این کجا و حیطه های مساجد ما کجا که مردم راه به زهد پیروده فراموش خوانند و ایشان را به گوشه نشینی و سستی سوق می دهند به گونه ای که فرد مسلمان از کسب و کار شریف به کاری رفالتامیز چون غش و حيله گری روی می آورد. بروز این حالت به این دلیل است که طبع انسان از یکسو خواهان راحت و تن آسایی است و از سوی دیگر برای گذراندن زندگی باید در جستجوی کسب و کار باشد به همین دلیل کار و کسبی را برمیگزیند که کمترین کوشش را طلبد و این کار، کاری است دور از شرافت انسانی. علاوه بر این، این دعوت به زهد و دوری از دنیا با دعوت به آخرت همراه است بلکه با اعتقاد و خطبه های امام هم مردم راه زهد در دنیا فراموش خوانند و هم ایشان را از آخرت دور می کنند. فخرسروالدین و الاخریه و این نیست جز نفاق است این اهلان و خطیبان از وعظ و قنبر خود مسلمان آگاه باید مردم راه جمع میان دنیا و آخرت دعوت کنند.<sup>۱۳۲</sup>

رشد شایسته در تاسیس پختن آبی آشکنک از استنادش «عبده» در ذیل آیه مورد بحث به این مطلب اشاره می کند که منادی «ذاتی جبل لکم فیما» این است که مال باعث قوام و استواری منافع مردم می شود و کار دنیای ایشان را سامان می دهد. در نظر و شکر در ما هیچ سخنی نمی تواند

به این شیوای و وسایلی توجه به اقتصاد و منافع و نوای آن را بیان کند و از سرفا و تذبذب که رفتار سفیهان است برهیز دهد. این آیه در نظر و شکر در ما گویند در مقام بیان این مطلب که منافع و مصالح همه شما تا زمانی پدیدار است که استوار است که هوالتان در دست کسانی باشد که اهل اقتصادند. از راههای از دید آن آگاهند و در افساق نیز از حد طبیعی آن خارج نمی شوند. اما هنگامی که هوالتان به دست سفیهان اسراف کاری افتاد که از حدود شرعی و معقول فراموش می نواز می کنند دیگر منافع و مصالح شما استوار نمی ماند. این دین، دین اقتصاد و اعتدال امر اموال و نیز در تمام امور وقت و همین است که خداوند مؤمنان را چنین توصیف کرده است: «والذین انا انعمنا لهم بقر و لیا و لم یقنروا و کان بین ذلک قلوبا»<sup>۱۳۳</sup>

**تعدد زوجات**

عبده در ادامه مباحث اجتماعی خود در تفسیر قرآن، به مسأله تعدد زوجات اشاره می کند. تعدد زوجات امری است که در دین اسلام به نفع و ضرر و منافع و مصلحت های اجتماعی و دینی می بیند. تعدد زوجات دارای چنان شروط دشواری بود که گویند نشان دهنده نهبی از انواع های دوباره است. نواری خود در این باره را در ذیل تفسیرش بر این آیه مطرح می کند: «قرآن ختم الا نكاحوا فی البیتانی فلكل حوا ما طلب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع فان ختمت الا نكاحوا فی ایامکم ذلک ادنی ان لا تعدوا» (تفسیر ۲) عبده در تفسیر این آیه می گوید: «در این آیه مسأله تعدد زوجات در سیاق بحث از نیکان و نهبی از خوردن مال ایشان - اگر چه به پاسنده زوجیت باشد - آمده است. آیه می گوید: «اگر از تصرف و خوردن مال، زوج به خود بیستاد که در شلست که با او از دواج تکلیف خداوند تعالی در حوض این نوع نگهداشت حق نیکان از دواج با زن غیر نیکان را بر شما سبب کرده است. اما اگر بیم آن داشتید که نتوانید میان همسران خود به عدالت رفتار کنید، باید به از دواج با یک زن اکتفا کنید. در مورد بیم از رعایت نکردن عدالت امر از شک و ظن نیز کافی است. اگر چه در چنین امری کمتر اتفاق می افتد که علم حاصل نشود. بنابراین حکم ایجاب از دواج دوباره با چندین فردی است که با رفتار عادلانه خود و شوق دار بودن هیچ تردید باطنی»<sup>۱۳۴</sup>

می بینیم که عبده می پذیرد که اصل در ازدواج، اکتفا کردن به یک زن است و چنین از دواجی است که باعث مسکوت و اطمینان و اعتماد متقابل است. آیه به پیش گفته در نظر عبده راه گریزی است شرعی و مباح برای کسانی که از ظلم به زوج به نفع بر خود به نفع گفته اما همین خسوف از ظلم به زن (یعنی ناتوانی میان همسران) نیز بیانگر وجوب اکتفا به یک زن است. عبده می گوید: «خداوند در این آیه با عبارت «ذلک ادنی» الا تعدوا» در واقع تمایل عبارت «فان ختم الا تعدوا فواحدة» را بیان کرده و دوری از ظلم را سبب تشریح این حکم قرار داده است.<sup>۱۳۵</sup>

عبده در دنباله این سخنان با اشاره به آیه «ولن نستظلموا ان تعدوا بین النساء ولو حرمتن» (تفسیر ۱: ۱۲۶)



می گوید: «چنین گفته اند که منظور از عدالت در این آیه عدالت خردی و بر خاسته از میل قلبی است یعنی آن عدالتی که همگی آن را نیکو می بینند. عدالت قلبی و آرمانی» که اگر چه این بود، این آیه و نیز آیه پیشین به گونه ای دیگر هم جواز تعدد زوجات بوده. «همچنین اگر منظور از عدل در آیه اخیر، همان معنای پیش گفته نبوده دیگر وجهی برای بیان بخش دیگری از همین آیه نبوده. «فلا تعدوا کل العول فتنزوها متعلقه» خداوند نیز اصناف فوق طاقت بندگان را که میل قلبی به انجام آنها را دارند در خواست نمی کند و از آنها همی گذرد. «سیره پیامبر اسلام (ص) نیز چنین بود که به عایشه پیش از دیگر زنانش تمایل داشت اما بدون رضایت همسران دیگر، عایشه را از امتیازی منحصر به فرد برخوردار نمی کرد»<sup>۱۳۶</sup>

عبده معتقد بود که تعدد زوجات در عصر سلف محاسنی داشتند چرا که مردم، صاحب دل های پاک و فرزان بر لومر الهی بودند. اما امروزه چنین نیست و تعدد زوجات مفاسد فراوان دارد و ما می بینیم که به بیشتر کسانی که به تعدد زوجات روی آورده اند، تفکیر میانی جز شهوت رانی ندارند. عبده آنگاه این وظیفه عالمان راه ایشان گوشزد می کند که باید رویکردی نوین به مسأله تعدد زوجات داشته باشند. عبده می گوید: «تعدد زوجات در صدر اسلام، فوایدی داشت که مهم ترین آن پیوستگی اقوام و نسب و در نتیجه تقویت بنیان های اجتماعی و قومی بود. تعدد زوجات در آن زمان، زبان های را که مایلینک در روزگار خود شاهد آن هستیم نشانده چنانچه در آن زمان دین در دل و جان مردان و زنان مسلمان استقرار یافته بود و ضروری از سوی تعدد زوجات است. چه جامعه نبوه اما امروز چنین نیست. امروز می بینیم مثلا مردی که همسران متعدد دارد از روی حماقت از زنی که بیشتر از همسران دیگرش او را دوست دارد، پیروی می کند. اگر بخوانیم زبان های تعدد زوجات را با تفصیل بیشتری بیان کنیم، باید به آسیب هایی اشاره کنیم که وجود آنها دل در صاحب اطمینانی را به درد می آورد. آسیب هایی چون فرزندی زنده دروغگویی، خبیثه یزدانی، نزوسر و حتی کتل نفس، همه این موارد در حالگاه قابل مشاهده است و تشنگر وجود گروهی از زنان است که از ارزش همسر و فرزندان ناگاه هستند. این زنان نه به ارزش خود واقفند و نه آگاهی از دین و آیین خود دارند. آنان از دین فقط مشتی خرافات و گمراهی ها را از کسانی مانند خود آموخته اند. اگر زنان با تربیت صحیح دینی پرورش یابند در این صورت دین، حاکم بلا منقاع قلوب ایشان شده و زانی از سوی ایشان متوجه جامعه اسلامی نخواهد شد. اما با وجود شیوع تعدد زوجات، نمی توان راه و روش تربیتی درستی را برای پرورش زنان سراغ گرفت. وظیفه عالمان است - خصوصا آن گروه از عالمان که دستگیر کار هموند - که در مسأله تعدد زوجات با دقت و تامل بنگرند این عالمان قطعا تردید ندارند که دین برای اقامه مصالح مردم و رساندن ایشان به خیر آمده است و از جمله اصول آن منع و دفع ضرر و ضرر است. بنابراین اگر بر پدیدماری مفاسد مترتب شد که در گذشته چنین نبوده بدون تردید باید حکم پیشین را تغییر داد و آن را با وضعیت فعلی سازگار کرد و به عبارت دیگر بر پایه فاعله «هر مفسد مقدم علی جانب المصلح» رفتار کرد. با این توضیح ختمت اینک می توانیم بگوییم که هنگام خسوف از عدم رعایت عدالت تعدد زوجات قطعا حرام است»<sup>۱۳۷</sup>

پس از نقل این سخنان، معلوم می شود که عبده تاجه مایه به اصلاح اجتماعی اهتمام داشته است. او در فرا معلوم می کند و آنگاه به معرفی حرمان می پردازد. او در سایه این احکام و با رویکردی اجتماعی و اصلاحی به قرآن گریه، راه اصلاح را برای نسل پس از خود می نمایاند. در پرتو همین راهنمایی هفت که کسانی چون رشیدرضا حل مشکل تعدد زوجات را از منظر دینی و اسلامی

وجه همت خود کردند و در این باره سخن گفتند.

**آداب سلوک و همنبستی اجتماعی**

آخرین بخشی که در باره رویکرد اجتماعی عبده به قرآن کریم مطرح است، مسأله آداب سلوک و همنبستی اجتماعی است. این بحث نیز - چنان که حتی از عنوان آن به خوبی پیداست - بر مبنای و تفسیر با آرای اصلاحی او دارد. حتی با خواندن اجمالی و فهرستوار تفسیر «المتر» و دیگر پژوهش های تفسیری عبده و نور مباحث اجتماعی در آن سارا به این نتیجه می رسد که عبده گویی با یک جامعه شناسی رومیرو هشتم عبده مثلا هنگام تفسیر آیات مربوط به نسل، زکات و دیگر مباحث و واجبات از آثار تفسیری ثنوی و توحالی ارائه نمی دهد بلکه آشکارا می آن است که در تباط این موارد در این ابعاد اجتماعی نیست بشر کشف و معرفی کند. عبده با ارائه تفسیر های اجتماعی از مفولات اسلامی - شرعی در حد آن است که آن حسنه از ارزش های اجتماعی را که برای جامعه سودمند است، معرفی کند و زبان های غفلت از آن را باز نماید. روشی که عبده برای تحقق این هدف برمیگزیند درست مانند روش صاحب نظران علم تعلیم و تربیت و روان شناسان است. عبده مانند این گروه از دانشمندان در مباحث های اجتماعی خود از قرآن، گویی معتقد می شود که استوارترین شیوه تعلیم و تربیت دینی، هبات است. از ارتباط دادن آن با اجتماع، مقارنه میان سلوک بد و آثار ناگوار آن برای فرد و اطرافیان و نیز مقارنه میان سلوک نیکو و فواید آن برای فرد و اطرافیان قرآن در پایان سوره فجر - پس از بیان احوال بد کارکنان - نیکو کاران را چنین معرفی می کند: «چنانچه نفسی سلطه مند جسمی الهی و یک رایشه مرضیه فانی فی عبادتی و لدخلی جنتی» (فجر ۲۰-۲۱) قرآن در این سوره در بیان احوال نعل عذابه به برخی ویژگی های آنان اشاره می کند. برخی از این اوصاف عبارتند از: نرس از فقر و اظهار شکوه و تکبر، نسی، بی اعتنائی به احوال و یتیمان، عدم اطعام و دستگیری از مستمندان و نلیستگی به مال و مکتب. این اوصاف - چنان که عبده توضیح می دهد - جز اوصاف کسانی است که اهل سلوک سینه اند و در مقابل کسانی که از شد این اوصاف برخوردارند و اهل سلوک حسنه اند. عبده در تفسیر آیات آخرین سوره فجر پایان مقارنه میان این دو گروه تفسیری اجتماعی را که می دهد:

- پی نوشت ها:**
- ۱- همان، ج ۵، ص ۹۹.
  - ۲- تفسیر ج ۷، ص ۱۲۲.
  - ۳- همان، صص ۱۲۵-۱۲۴.
  - ۴- همان، ص ۱۲۶.
  - ۵- تلخیص الاستاذ الامام، ج ۱، ص ۴۶۹.
  - ۶- همان.
  - ۷- همان، ص ۱۲۲.
  - ۸- همان، صص ۵۱۱-۵۰۹.
  - ۹- همان، صص ۵۱۱-۵۰۹. تفسیر دینی مباحث مربوط به برنامه اصلاحی تعلیم و تربیت عبده از نویسنده است.
  - ۱۰- همان، امین، فرهنگ المعریه.
  - ۱۱- همان، صص ۱۱۵۵-۱۱۵۴.
  - ۱۲- همان، صص ۱۱۵۵-۱۱۵۴. نقل از منبع.
  - ۱۳- همان، صص ۱۱۵۵-۱۱۵۴. تفسیر القرآن فکر، ص ۱۸۰.
  - ۱۴- همان، صص ۲۲۹-۲۲۸.
  - ۱۵- همان.
  - ۱۶- همان، صص ۲۲۹-۲۲۸.
  - ۱۷- همان.
  - ۱۸- همان، ص ۲۵۰.